

میزگرد بازخوانی پرونده بنی‌صدر - ۱

زیباکلام: اگر بنی‌صدر از منیت و خودخواهی‌اش کم می‌کرد دلیل نمی‌شد



خبرگزاری فارس: صادق زیباکلام گفت: بنی‌صدر اگر کمی از منیت و خودخواهی‌اش کم می‌کرد، می‌توانست با نیروهای خط امام به توافق برسد و دلیل نشود.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در میزگرد «بازخوانی پرونده بنی‌صدر» که با حضور جلال‌الدین فارسی فعال سیاسی دوران انقلاب و از رقبای انتخاباتی بنی‌صدر، در خبرگزاری فارس برگزار شد، گفت: من این اعتقاد را ندارم که بنی‌صدر مهره‌ای بود که غرب، آمریکا، سیا، اینتلجنس سرویس، موساد و ... او را وارد پرونده انقلاب اسلامی کرده باشند تا روز مبادا و روزی که می‌خواهند از او استفاده کنند.

زیباکلام افزود: این توهم توطئه و فرضیه‌های دانی‌جان ناپلئونی است که ما فکر کنیم سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی بیگانه می‌توانند شرایط اجتماعی - سیاسی چندین سال آینده را پیش‌گویی کنند. اگر ما بپذیریم که بنی‌صدر مهره دست نشانده غرب و بیگانگان بوده بسیاری از اصول و پایه‌های انقلاب اسلامی زیر سوال می‌رود.

وی ادامه داد: این غیر معقول است که فکر کنیم قدرت‌هایی در دنیا وجود دارند که از چندین سال قبل فردی را در جریان جا بدهند که بعد که انقلاب می‌شود و جمهوری اسلامی استقرار پیدا می‌کند و بعد که انتخابات ریاست جمهوری می‌شود و پس از آن که ایشان رئیس‌جمهور می‌شود برای غرب کار کند؛ من فکر می‌کنم اگر چنین قدرت‌هایی وجود داشته باشند و اگر آمریکا چنین قدرتی می‌داشت اساساً نمی‌گذاشت، رژیم شاه سقوط کند و هیچ وقت این همه راه پیچ و مارپیچ را انتخاب نمی‌کرد.

زیباکلام با اشاره به موضوع خیانت بنی‌صدر گفت: به این هم اعتقاد ندارم که بنی‌صدر در زمان ریاست جمهوری‌اش و زمانی که فرمانده کل قوا بود خیانت کرده باشد و معتقدم که بین ایشان و جریان موسوم به خط امام که عمدتاً روحانی و عضو حزب جمهوری اسلامی هم بودند، اختلاف نظر عمیق بوجود آمد و این اختلاف نظر عمیق هم ریشه در نوع نگاه بنی‌صدر و اعضای حزب جمهوری اسلامی و روحانیون مخالف بنی‌صدر به مسئله قدرت بود. بنی‌صدر قدرت بیشتری می‌خواست و خواهان این بود که روحانیت و حزب جمهوری اسلامی ایران در امور مملکت دخالت نکنند؛ بنی‌صدر می‌خواست نخست‌وزیر و وزرا را خودش تعیین کند و تمام قدرت در اختیار خودش باشد.

استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه اظهار داشت: بنی‌صدر نشان داد که به هیچ وجه آدم عمیق و عاقلی نیست و تعقل سیاسی ندارد، او نتوانست مورد اعتماد باشد؛ امام نمی‌خواست اولین رئیس‌جمهور ایران با صورت به زمین بیاید و این را شکستی برای انقلاب می‌دانست و این تحلیل امام کاملاً صحیح و روش‌بینانه بود. امام خیلی با بنی‌صدر مدارا کرد و میدان وسیعی را در اختیار بنی‌صدر قرار داد اما بنی‌صدر بخاطر تکبر و غروری که داشت نفهمید که امام چقدر برای او فضا ایجاد می‌کند. آقایان بهشتی، رفسنجانی و سایر روحانیون هم به تبع امام در مقابل بنی‌صدر و کارهایش خیلی کوتاه آمدند، اما بنی‌صدر بجای این‌که در مقابل این کوتاه آمدن‌ها یک گام از مواضع مغرورانه‌اش کوتاه بیاید بیش از پیش مغرور شد و بیشتر از پیش از نیروهای مکتبی، حزب‌اللهی و خط امامی فاصله گرفت و متأسفانه این فاصله گرفتنش باعث شد که به مسعود رجوی و مجاهدین خلق، جبهه ملی و به جریان‌هایی که خیلی دل خوشی از

انقلاب و رهبري امام و خط امام نداشتند، نزديك شود. بني صدر نه تنها نتوانست با نيروهاي خط امام به يك وحدت و وفاق برسد، بلكه با نيروهاي مخالف امام و خط امام همراه شد. **بني صدر اگر كمی از منيت و خودخواهي اش كم مي كرد مي توانست با نيروهاي خط امام به توافق برسد و دليل نشود.**

زيباكلام با بيان اين كه ما نمي توانيم بگوئيم بني صدر خيانت کرده و سبب سقوط خرمشهر شده، گفت: در صورت پذيرفتن خيانت بني صدر بايد بگوئيم ارتش خيانت کرده از طرفي، ارتش زمان بني صدر همان ارتشي بود كه بعد از رفتن بني صدر بود.

وي با اشاره به اينكه اين نگاه را كه مي گويد تاريخ مصرف فلان كس يا فلان چيز گذشته قبول ندارم زيرا اين نگاه علمي نيست، اظهار داشت: مثلاً عدهاي مي گويند آمريكائي ها صدام را برداشتند چون تاريخ مصرفش گذشته بود، يا اين كه مي گويند آمريكائي ها شاه را برداشتند چون تاريخ مصرفش گذشته بود. اين تحليل نشان دهنده عقب ماندگي سياسي جامعه ماست. ما نبايد بگوئيم تاريخ مصرف مثلاً شخصي مثل بني صدر گذشته است، بلكه بايد بني صدر و ماجرائي او را تجزيه و تحليل كنيم و ببينيم چه شد كه بني صدر ۱۳ ميليون راي آورد؟ چه شد كه بني صدر در سالهاي نخست انقلاب به عنوان تئوريسين و نظريه پرداز اقتصاد توحيدى مطرح شد؟ چه شد كه اقبال مردم به بني صدر زياد بود و بعد كم شد؟ چه شد كه بني صدر به خطا رفت و كجاها به خطا رفت؟ چه ها كرد كه نيايستي مي كرد و چه ها نكرد كه بايد مي كرد؟ به هر حال چه بخواهيم و چه نخواهيم و چه بگوئيم بني صدر عامل بيگانه ها بوده، نفوذى بوده و از سالها قبل آمريكائي ها مثل سيرا ترشي او را جا انداخته بودند و از پر قنداق مي دانستند با بني صدر چكار بايد بكنند؛ او جزئي از تاريخ ماست و بايد از منظر تحليل سياسي و جامعه شناسي مورد تجزيه و بررسي قرار بگيرد.

استاد علوم سياسي دانشگاه تهران خاطرنشان كرد: بايد بررسي كنيم و بفهميم چرا يك انسان انقلابي و مكتبي مثل آقاي جلال الدين فارسي مي گويد به هيچ وجه حاضر نيستم نخست وزير بني صدر باشم و بايد كشف كنيم چرا خيلي ها حاضر نبودند با بني صدر همكاري كنند؟ مثلاً خود من آن زمان چرا شهيد رجائي را بر بني صدر ترجيح دادم؟ ما بايد ياد بگيريم به جاي اين كه اتفاقات و رخدادها را به جن و پري و فراماسونري و موساد و سيا و آمريكا و دستهاي پنهان ربط بدهيم آن ها را تجزيه و تحليل كنيم. مثلاً اينكه مي گوييم ما ۸ سال با تمام دنيا جنگيديم يك اشتباه است ما در طول ۸ سال فقط با عراق جنگيديم. اگر آمريكا به صورت كامل و تمام وقت از عراق در طول جنگ حمايت مي كرد، خرمشهر كه سهل است، ما حتي يك وجب از خاك ايران را هم نمي توانستيم پس بگيريم. اگر آمريكا از رژيم شاه حمايت كامل کرده بود و پشت او را خالي نمي كرد، انقلاب به اين زودي ها پيروز نمي شد. اينها تحليلهايي است كه من دارم و با روش علمي به آنها رسيده ام. حقيقت اين است كه در جريان انقلاب ايران، دست چپ آمريكائي ها به دست راست آنها مي گفت چه كار بكنند، چون كه به هيچ وجه يك تصميم مشخص و اراده واحد در واشنگتن وجود نداشت؛ عدهاي از مقامات آمريكائي معتقد به حمايت از شاه بودند اما عدهاي ديگرشان در اين مورد ترديد داشتند؛ كارتر هم اين وسط مانده بود كه از شاه بخواهد كه محكم ايستادگي كند يا نه؟ آمريكائي ها با شاه در ارتباط بودند و از او حمايت مي كردند، اما اين گونه نبود كه اين حمايتشان از شاه تا دقيقه ۹۰ ادامه داشته باشد چون كه آمريكائي ها با يك بحران سريع و خلق الساعه روبرو شده بودند و دقيقاً نمي دانستند چكار كنند.

انتهاي پيام /

میزگرد بازخوانی پرونده بنی‌صدر - ۲

جلال‌الدین فارسی: بنی‌صدر قدرت طلب، بد ذات و بی‌کفایت بود



خبرگزاری فارس: جلال‌الدین فارسی گفت: بنی‌صدر در ظاهر محبت نشان می‌داد و برای همه چاپلوسی می‌کرد. او خیلی چرب زبان، متملق و آدم بی‌کفایتی بود و بخاطر پستی ذاتش به خفت و ذلت افتاد.

به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، جلال‌الدین فارسی فعال سیاسی دوران انقلاب و از رقبای انتخاباتی بنی‌صدر در میزگرد «بازخوانی پرونده بنی‌صدر» که در خبرگزاری فارس برگزار شد، گفت: صحبت‌های آقای زیباکلام را در این مورد که بنی‌صدر قدرت طلب بود و قدرت بیشتری می‌خواست، کاملاً تایید می‌کنم، اما بنی‌صدر قدرت را برای خود قدرت می‌خواست و به دنبال کسب قدرت برای پاسخ به جاه‌طلبی‌هایش بود در حالی که دوستان حزب جمهوری اسلامی قدرت را برای خدمت به مردم می‌خواستند.

فارسی افزود: نوع قدرت‌خواهی بنی‌صدر با اعضای حزب جمهوری اسلامی به هیچ وجه قابل مقایسه نیست؛ چرا که بنی‌صدر یک نفر بود، اما حزب جمهوری اسلامی یک جمع بودند با سابقه طولانی و درخشان در انقلاب و مبارزات انقلابی؛ در حالی که بنی‌صدر ربطی به انقلاب ندارد و فقط عضوی از جبهه ملی بود که به نهضت ملی ایران پیوست. برادر بنی‌صدر یک قاضی وارسته بود که فتح‌الله نام داشت. این آقا اصلاً ابوالحسن را آدم حساب نمی‌کرد. بنی‌صدر با انقلاب یک تماس بسیار جزئی داشت و آدم بسیار جاه‌طلبی بود و همه هم می‌دانستند که برای تصاحب پست رئیس‌جمهوری کار می‌کند.

وی ادامه داد: بعد از این که بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد، آقای بهشتی از من خواست پیش آقای هاشمی رفسنجانی برویم که آن زمان در مجلس بودند. آقای هاشمی گفت امروز در جلسه مجلس بصورت مخفیانه رأی‌گیری کردیم که بنی‌صدر رأی بسیار کمی آورد، اما اگر آقای فارسی حاضر باشد نخست وزیر بشود، مجلس رأی قاطعی به ایشان می‌دهد. گفتم من ننگ دارم در دولتی که بنی‌صدر رئیس‌جمهورش باشد نخست وزیر باشم. هرچه اصرار کردند من نپذیرفتم. عده‌ای می‌گویند من نخست‌وزیری دولت بنی‌صدر را به این دلیل نپذیرفتم چون قدرت‌طلب بوده‌ام و به کمتر از ریاست جمهوری راضی نبوده‌ام، اما این‌طور نیست چون که من اگر می‌خواستم با بنی‌صدر بر سر قدرت جنگ کنم قبل از آن که او رئیس‌جمهور شود از صحنه قدرت حذف می‌کردم.

فارسی با بیان این که هیچ کس دیگر جز من نمی‌توانست بنی‌صدر را حذف کند، اظهار داشت: همین گروه فرقان که استاد مطهری و افراد دیگر را به شهادت رساندند، حاضر بودند همه را از بین ببرند الا بنده را. گروه فرقان فقط دو نفر را قبول داشتند؛ یکی دکتر شریعتی و یکی هم بنده را. به همین دلیل من در جایی سخنرانی کردم و گفتم عده‌ای هستند که دکتر شریعتی و بنده را قبول دارند، اما امام‌خمینی را قبول ندارند و این‌ها همان خوارج هستند.

جلال‌الدین فارسی در ادامه سخنانش در میزگرد بازخوانی پرونده بنی‌صدر گفت: من با این تحلیل آقای زیباکلام که می‌گوید ما در جنگ ۸ ساله فقط با عراق جنگیدیم و یا این که می‌گوید اگر آمریکا کاملاً از شاه حمایت می‌کرد انقلاب حالا حالاها به پیروزی نمی‌رسید، مخالفم. سبک تحلیل آقای زیبا کلام سبکی است که در غرب هم وجود دارد. حد و اندازه این تحلیل بسیار پائین است. انقلاب اسلامی ما با تمام انقلاب‌های دنیا متفاوت است و در چهارچوب تحلیل‌های برآمده از غرب نمی‌گنجد؛ اتفاقاً آمریکا خیلی دلش می‌خواست که شاه بماند، آقای زیباکلام نسبت به تحلیل انقلاب اسلامی ایران هیچ علمی ندارد.

وي با اشاره به این که بنی‌صدر خودش به تنهایی بنی‌صدر نشد، بلکه خیلی‌ها کمکش کردند، اظهار داشت: **بنی‌صدر در ظاهر به همه محبت نشان می‌داد و برای همه چاپلوسی می‌کرد. او خیلی چرب زبان و متملق و پاچه‌لیس بود؛ پدرش يك فنودال بود و خودش هم آدم بی‌کفایتی بود. بنی‌صدر بخاطر پستی ذاتش به خفت و ذلت افتاد.**

فارسی تصریح کرد: امام، شوراي انقلاب و مجلس خبرگان قانون اساسي هیچ‌کدام نمی‌خواستند که بنی‌صدر رئیس جمهور و فرمانده کل قوا بشود، اما خود بنی‌صدر با همراهی عده‌ای که معلوم نیست چه کسانی هستند، توانستند به اهدافشان برسند و بنی‌صدر را رئیس جمهور کنند. عده‌ای امام را متهم می‌کنند که ایشان باعث شده که بنی‌صدر رئیس‌جمهور شود، اما این گونه نیست و به هیچ وجه امام در به قدرت رسیدن بنی‌صدر مقصر نیستند. امام خمینی (ره) می‌خواستند که من رئیس جمهور بشوم. همان زمان شهید باهنر برای من خبر آورد که مؤسسين حزب جمهوري اسلامي منهاي آقای موسوي اردبيلي به این نتیجه رسیده‌اند که شما باید کاندیداي ریاست جمهوري بشوید چون که تنها کسی هستید که می‌توانید بنی‌صدر را در انتخابات شکست بدهید و آرای مردم را جذب کنید. من پرسیدم شما از کجا فهمیده‌اید که بنی‌صدر به درد نمی‌خورد؟ آقای باهنر گفت: بنی‌صدر يك روز آمد شوراي انقلاب و گفت دوستان من در سطح کشور نظرسنجي کرده‌اند و من بیشتر از امام رای آورده‌ام! ما فهمیدیم که این دروغگو و خودخواه است. بعد من از آقای باهنر پرسیدم در مورد کاندیداتوري من با امام صحبت کردید؟ ایشان چه فرمودند؟ شهید باهنر گفت: امام پرسیدند آقای فارسي رای می‌آورد؟ ما هم گفتیم اگر خوب تبلیغ کنیم رای می‌آورد بعد امام فرمود خیلی خوب است. من از اینجا فهمیدم که نظر امام این است که بنده رای بیاورم، بنابراین نباید امام را به ناحق متهم کنیم که ایشان می‌خواست بنی‌صدر رئیس جمهور بشود. همان زمان مقام معظم رهبري سخنراني کرد و گفت اگر جلال‌الدین فارسي رای نیاورد دوام انقلاب تضمین شده نیست.

فارسی با بیان این که بعد از گذشت ۳۰ سال از خلع بنی‌صدر، خبرگزاری فارس سبب خیر شد که بنشینم و عمیق فکر کنم که چه شد بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد، گفت: من يك كشف بزرگ کردم و جا دارد مقام معظم رهبري و آقای هاشمي به این كشف با عنایت بیشتری توجه کنند و آن این که يك اتفاق در شوراي انقلاب افتاد که همین باعث شد بنی‌صدر به قدرت برسد، یعنی يك دست بدخواه در شوراي انقلاب سنگ بناي قدرت‌گیری بنی‌صدر را کار گذاشته است؛ بنی‌صدر و این دست بدخواه در شوراي انقلاب کاری کردند که باعث عوض شدن مسیر تصمیم‌گیری امام شد؛ منظور از تصمیم‌گیری همان احکامی است که امام، شوراي انقلاب را مکلف به اجرای آن کرده بودند. با نقشه بنی‌صدر و این دست پنهان به انتهای برخی اصول قانون اساسي تبصره‌ها و راه فرارهایی اضافه می‌شود که راه را برای رسیدن بنی‌صدر به ریاست جمهوري هموار می‌کند.

وي ادامه داد: امام آن زمان سخنان قاطعی را مبنی بر جدیت مسئولین نسبت به قانون اساسي و اصول آن فرمودند که همین باعث ناامیدی بنی‌صدر و همراهانش شد؛ این‌ها وقتی دیدند که اگر این سخنان قاطع امام به مرحله عمل برسد بنی‌صدر نمی‌تواند به قدرت برسد دست به کار اعمال تغییر در برخی مفاد قانون اساسي شدند. اینها تغییرات مورد نظرشان را از تاریخ ۱۸ آبان ۵۸ تا ۹ دی ۵۸ اعمال کردند. امام می‌خواستند ابتدا قانون اساسي به همه پرسني گذاشته شود، مجلس شوراي اسلامي تشکیل شود و بعد ریاست جمهور انتخاب بشود اما بنی‌صدر و همدستانش کاری کردند که ابتدا انتخابات ریاست جمهوري برگزار شود. مجلس آن زمان قانونی تصویب کرده بود که بر اساس آن نمی‌بایست انتخابات ریاست جمهوري پیش از انتخابات مجلس برگزار می‌شد و صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوري را هم باید شوراي نگهبان تایید می‌کرد، اما این عده کاری کردند که انتخابات ریاست جمهوري قبل از همه این امور برگزار شود تا دیگر شوراي نگهبانی هم نباشد که در آن تایید صلاحیت بنی‌صدر به خطر بیفتد.

رقیب انتخاباتی بنی‌صدر با اشاره به این که اگر شوراي نگهبان تشکیل می‌شد پی می‌برد که نه تنها بنی‌صدر يك رجل سياسي نیست، بلکه حتی رجل مذهبي هم نیست، اظهار داشت: بنی‌صدر حتي يك آیه قرآن هم در آثارش به کار نبرده بلکه تمام آیاتی که در آثارش به کار رفته توسط افراد دیگری انجام شده. این مطالبی که من می‌گویم از سر دشمنی با بنی‌صدر نیست عین حقیقت است چون که من روابطم با بنی‌صدر خوب بود و دشمنی با او نداشتم. براساس اصل ۹۹ و ۱۱۸ قانون اساسي مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوري بر عهده شوراي نگهبان بود و هست. بنابراین ابتدا باید مجلس تشکیل می‌شد تا ۶ نفر حقوقدان را به شوراي نگهبان معرفی کند تا این شورا تشکیل شود و بر انتخابات ریاست جمهوري نظارت کند. بنی‌صدر و همراهانش اعضای شوراي انقلاب را متقاعد کردند که اول انتخابات ریاست جمهوري برگزار شود و برای دور زدن قانون اساسي به آخر برخی از مواد و تبصره‌هایی که دست و پاگیر بودند، يك چیزی اضافه کردند و دوره اول ریاست جمهوري را استثنا کردند و وظایفی را که شوراي نگهبان در این باره باید انجام می‌داد به امام واگذار کردند.

فارسی در ادامه گفت: چون بنی‌صدر و همراهانش نمی‌توانستند اصل ۹۹ را تغییر بدهند به انتهای اصل ۱۱۰ که می‌گوید امضای حکم ریاست جمهوري پس از انتخاب مردم و صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوري از جهت دارا بودن شرایطی که در قانون می‌آید باید قبل از انتخابات به تایید شوراي نگهبان برسد، این را اضافه کردند "در دور اول به تایید رهبري برسد"؛ یعنی این‌ها دور اول را استثنا کردند. بعد به آخر اصل ۱۱۸ که می‌گوید مسئولیت نظارت بر انتخابات ریاست جمهوري بر عهده شوراي نگهبان است، این را اضافه کردند "ولی پیش از تشکیل اولین دوره شوراي نگهبان بر عهده انجمنی است که قانون تعیین می‌کند."

وي افزود: امام در ۹ دي ۵۸ در سخنانی ملاک‌های ریاست جمهوری را فرمودند که هیچ‌کدامش به بنی‌صدر نمی‌خورد و همه‌اش بر بنده منطبق است. امام فرمود؛ من امید دارم اشخاصی که کاندیدا شده‌اند برای ریاست جمهوری شما توجه کنید به کسی رای بدهید که از همه متعهدتر به اسلام، با سوابق خوب، پیوسته به هیچ طرفی از شرق و غرب نباشد، مسلمان باشد و پیرو احکام اسلام باشد، ملی باشد، دلسوز به ملت باشد، در رژیم سابق هیچگاه وارد نشده باشد، با اجانب پیوند نداشته باشد، اختیارات دست شماسمت من بنا ندارم کسی را معرفی کنم، ما فقط اوصاف رئیس جمهور و وکلا را باید بگوییم. اینجا معلوم می‌شود شورای انقلاب از مسیر خودش منحرف شده و معکوس عمل کرده است.

فارسی ادامه داد: مرحله دوم توطئه بنی‌صدر و همدستانش این بود که برای این‌که امام نتواند صلاحیت بنی‌صدر و قطب‌زاده را مطالعه کند ۱۲۴ نفر برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کردند که صدای اعتراض امام در آمد و فرمود ... بیشتر اینها الا نادرشان می‌دانند که موفق نمی‌شوند لکن يك مقصد دیگری در کار است غیر از ریاست جمهوری و آن این است که ایجاد تشنج کنند و کشور ما مشغول باشد... تمام این مسائل برای این است که جمهوری اسلامی آن طوری که باید تحقق پیدا نکند. امام چند روز بعد فرمودند؛ در این موقع که یکی از مراحل حساس نظام جمهوری اسلامی در حال انجام است به ملت مبارز و بیدار ایران در انتخاب رئیس جمهور لازم است تذکراتی داده شود با اینکه در این دوره به حسب قانون اساسی مصوب از ناحیه ملت تصدیق صلاحیت رئیس جمهور و واجد بودن شرایط او به عهده اینجانب است به واسطه بعضی مصالح و جهات لازم المراجعة از آن جمله وضع استثنایی کشور در حال حاضر لازم است در این امر حیاتی تاخیر نشود؛ از طرفی، شناسایی بیش از ۱۳۰ نفر محتاج به زمانی طولانی است و تاخیر در این حال استثنایی به صلاح ملت و کشور نیست؛ به این جهت و به جهات دیگر اینجانب امر صلاحیت و انتخاب را به خود ملت واگذار نمودم تا خود سرنوشت خودشان را تعیین کنند.

وي گفت: بعد از این‌که بنی‌صدر رئیس جمهور شد بخاطر اینکه مصدق شخصیت محبوبی پیش مردم داشت می‌خواست اینگونه به مردم القا کند که خودش مصدق و امام خمینی هم همان آیت‌الله کاشانی است. آقای باهنر تعریف می‌کرد که بیت امام گفته‌اند برای اولین بار صدای امام را از داخل اتاق به بیرون شنیدند که علیرغم بیماری قلبی‌شان بر سر بنی‌صدر فریاد می‌زدند و می‌گویند؛ نه تو مصدقی نه من کاشانی هستم! . بنی‌صدر گفته بود؛ آقا کاری نکنید که باز مسئله مصدق و کاشانی تکرار شود! . بنی‌صدر این حرف را زمانی می‌زند که با امام صحبت می‌کند تا ایشان را راضی کند به بنی‌صدر اجازه دهد هر کس را که می‌خواهد نخست وزیر کند. همین زمان است که بنی‌صدر پیش امام می‌رود و می‌گوید می‌خواهم این اختیار را داشته باشم که نخست وزیر را خودم تعیین کنم. امام می‌گوید ولی بر اساس قانون مجلس باید نخست وزیر را انتخاب کند. بنی‌صدر می‌گوید من قانون را قبول ندارم! امام با قاطعیت می‌گوید تو بیجا می‌کنی قانون را قبول نداری .

وي با ذکر خاطره‌ای نظر امام(ره) را در مورد بنی‌صدر از قبل از انقلاب منفي ارزیابی کرد و گفت: بار دومی که به پاریس رفتم بنی‌صدر پیش من آمد و گفت؛ آقای فارسی من يك کتابی نوشته‌ام بنام تضاد؛ اگر این کتاب به نام خودم منتشر شود آنچنان بردي ندارد، بنابراین پیشنهاد می‌کنم بنام آقای خمینی، علامه طباطبایی، آقای مطهری، شما و خودم منتشر شود. بعد به نجف می‌رود و همین مسئله را با امام مطرح می‌کند و بعد به امام می‌گوید آقا من فردا مسافرم شما نظرتان چیست؟ موافقید این کتاب نام ۵ نفر منتشر شود؟ امام دست زیر تشک‌شان می‌برد و يك جلد کتاب «درسهایی درباره مارکسیسم» تالیف بنده را به بنی‌صدر می‌دهد و می‌گوید؛ شما این را مطالعه کنید بعداً. بنی‌صدر می‌گوید؛ من این کتاب را مطالعه کرده‌ام و حتی در آلمان و فرانسه آن را توزیع کرده‌ام. امام دوباره می‌فرماید؛ یکبار دیگر هم این کتاب را مطالعه کنید. این یکی از نمونه‌هایی است که نظر امام را در مورد بنی‌صدر و بنده نشان می‌دهد .

فارسی در پایان خاطر نشان کرد: پایان کار بنی‌صدر آن طور شد که مجبور شد با روسری و مانتو و آرایش زنانه از کشور خارج شود. همین طرز خارج شدنش از کشور گویای خیلی چیزهاست. درست مثل يك زن سفید آب و سرخاب کرده بود، سبیلش را تراشیده بود و مژه مصنوعی کار گذاشته بود .

انتهای پیام /